انترناسیونال ۶۲۳

بهروز مهرآبادی

**هجوم پناهجویان و سیاست دولتهای اروپایی**

سواحل و مرزهای اروپا شاهد بزرگترین امواج مهاجرت بعد از جنگ جهانی دوم است. اخبار مربوط به سرنوشت دردناک میلیونها مهاجر و پناهنده در آن دوران بعد از هفته ها، ماهها و حتی سالها انتشار یافت، اما اکنون هر ساعت و هر روز شاهد تصاویر و گزارش های تکان دهنده از وضعیت میلیونها پناهجویی هستیم که از جنگ، گرسنگی و بدبختی میگریزند و در شرایطی غیر انسانی در جستجوی مکانی برای داشتن یک زندگی امن بزرگترین خطرات را بجان می خرند.

نگاهی مختصر به تیترهای اخبار و گزارش های روزهای اخیر ابعاد فاجعه ای که در مقابل چشمان جهانیان در حال اتفاق است، نشان می دهد:

ـ پلیس اتریش جسد ۷۰ پناهجو را در داخل کامیونی در نزدیک مرز مجارستان پیدا کرد.

ـ صدها پناهجو براثر غرق شدن یک قایق در دریای مدیترانه در نزدیک ساحل لیبی جان باختند.

ـ جسد ۵۱ پناهجو در انبار یک قایق حامل مهاجرین توسط یک کشتی امداد رسانی سوئدی در دریای مدیترانه پیدا شد.

ـ نیروی دریایی ایتالیا جسد ۴۹ مهاجر را در محفظه ای در زیر عرشه یک کشتی پیدا کرد.

ـ از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۲۳۰۰ نفر پناهجو جان در دریای مدیترانه غرق شده اند

....

مرزهای ترکیه، یونان، مجارستان، اتریش، مقدونیه، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، انگلستان، آلمان هر روزه شاهد هجوم هزاران پناهجو و آواره هستند. نیروهای امنیتی دولتهای اروپائی قدرت جلوگیری پناهجویان را ندارند. صدها میلیون یورو صرف سیمهای خاردار، نارنجک، گاز اشک آور، سگ های محافظ و انواع سیستم های امنیتی مدرن شده است تا دیوار آهنینی که بدور اروپا کشیده شده است، بلند تر و غیرقابل عبورتر سازند. اما با وجود این تعداد پناهجویانی که توانسته اند از این دیوار بگذرند، نسبت به سال های گذشته بسیار بیشتر شده است. اکثریت پناهجویان از کشورهای سوریه، افغانستان، عراق، ایران و کشورهای مختلف آفریقایی هستند. آنها از جنگ، فقر و نکبتی گریخته اند که بر این منطقه از جهان حاکم است. اکثریت آنها فراریان از توحش اسلامی هستند که توسط دولتها و گروههای اسلامی نظیر داعش و بوکوحرام که سرنوشت و زندگی میلیونها نفر مردم را در دست دارند و عقب مانده ترین و ضد انسانی ترین قوانین و مناسبات را در این جوامع مسلط کرده اند. بسیاری از آنها زنان و کودکانی هستند که بطور مداوم و سیستماتیک و "قانونی" مورد آزار و اذیت قراردارند، به آنها تجاوز میشود و به بردگی کشیده میشوند.

فجایعی که بر سر مردم افغانستان، عراق، ایران، سوریه و ... نازل شده، محصول سیاست دولتهای غربی است. حکومتهای افغانستان و ایران و عراق با حمایت مستقیم و یا با تائید دولت آمریکا و متحدانش به قدرت رسیده و جنگ داخلی سوریه و قدرت گرفتن یکی از جنایتکار ترین نیروهای اسلامی یعنی داعش بدون تائید آمریکا و حمایت های مستقیم دولتهای ترکیه و عربستان امکانپذیر نبود. سرنوشت تاریک و خونین مردم این منطقه از جهان را منافع و سیاست آمریکا و متحدانش رقم زدند. اما برای مردمی که از این سرنوشت می گریزند، گذشتن از مرزها آسان نیست. هر ساله هزاران نفر از آنها جان خود را بر سر اینکار میگذارند. آنها را "مهاجرین غیرقانونی" می نامند. جرمشان و گناهشان زاده شدن در بخشی دیگری از جهان است و با آنها همانند بزهکاران رفتار میشود. از ابتدائی ترین حقوق انسانی محرومند. و حتی اگر بتوانند خود را به پیشرفته ترین کشورهای اروپایی برسانند، کودکانشان بزحمت امکان تحصیل پیدا می کنند، از امکانات درمانی بسیار ناچیز برخوردار هستند، حق دخالت در امور اجتماعی را ندارند، مجبور به انجام سنگین ترین کارها با کمترین حقوق هستند، مسئولیت بحران اقتصادی، بیکاری و معضلات اجتماعی به گردن پناهندگان و مهاجران انداخته میشود و بطور مداوم مورد تحقیر و توهین قرار میگیرند.

در حالی که دولتهای اروپایی هر روز شیوه تازه ای برای ممانعت از ورود پناهندگان پیدا می کنند، اما در عین حال نمی توانند از نیروی کار ارزانی که هر روز وارد اروپا میشود رضایت نداشته باشند. رادیو سوئد اعلام کرد که پناهندگان بیش از هزینه خود برای اقتصاد سوئد سود داشته اند. طبیعی است که تمامی این سود نصیب سرمایه داران سوئد شده است که از نیروی کار ارزان مهاجرین بیشترین استفاده را می برند و از آن برای پائین نگاه داشتن سطح دستمزدها استفاده می کنند. اشک تمساح بعضی از احزاب دولتی برای پناهجویان و دادن اجازه ورود به پناهجویان بعضی از کشورها نظیر سوریه نه فقط بخاطر فشار افکار عمومی و ملاحظات سیاسی بلکه بیشتر بخاطر منافع سرمایه است.

سیاست واقعی دولتها و احزاب دولتی را می توان در محدود کردن و کاهش دائمی حقوق و امکانات پناهندگان دید که در چند سال گذشته بطور مداوم به پیش برده میشود. بطور مثال روز گذشته پارلمان دانمارک به کاهش حقوق پناهندگان، کاهش کمک هزینه کودکان و حذف کمکهای ویژه برای بازنشستگان غیر دانمارکی رای داد. میزان کمک هزینه ای که توسط دولت آلمان و یا سوئد برای گذران زندگی به پناهجویان داده میشود، چندین برابر کمتر از میزان حداقل دستمزد است. این سیاست عملا بازار کار سیاه و بهره کشی چند برابر از پناهجویان را رونق میدهد.

درحالی که سرمایه داران، روسای حکومتهای دیکتاتور و غارتگر، رهبران جنایتکار فرقه های مذهبی و قومی آزادانه به هر کجای دنیا رفت و آمد می کنند و برایشان فرش قرمز پهن میشود. خرید و فروش می کنند و سرمایه های کلان خود را به بانکهای اروپا و آمریکا میسپارند. انبوه زنان، مردان و کودکانی را شاهدیم که در هم فشرده درون قایقهای فرسوده درمعرض غرق شدن هستند، کودکان و سالخوردگانی که در حال گذشتن از سیم های خاردار هستند، صف طولانی پناهجویانی که در جاده ها و کنار ریلهای قطار هست و نیست خود را در کیسه ای به دوش میکشند و بطور دائم مورد حمله نیروهای پلیس و سربازان هستند. این حکایت دنیای ناامن و نکبتی است که سرمایه داری برای بخش بزرگی از جهان بوجود آورده است و طرفداران این نظام از پاسخ دادن به آن عاجزند.

هزاران پناهجویی که به کشورهای اروپایی هجوم آورده اند، نیازمند کمک هستند. باید از این فرصت استفاده کرد. هر انسانی حق دارد از آزار و شکنجه، نابرابری، فقر و جنگ بگریزد و باید مورد حمایت قرار بگیرد. هیچ انسانی به آسانی محل تولد، دوستان و جایی که در آن سالها زندگی کرده است، ترک نمی کند، هر کسی حق دارد محل سکونت خود را انتخاب کند و در آنجا از حقوق برابر شهروندی و یک زندگی و معیشت انسانی برخوردار باشد. پناهندگی و زندگی در محیط امن و داشتن آسایش، بخاطر لطف و مرحمت یک دولت و یا حزب سیاسی نیست بلکه حق طبیعی هر انسانی است که تحت ستم قرار دارد و باید از طرف همه دولتها به رسمیت شناخته شود. مرزها باید برای عبور آزادانه همگان باز شود. باید مصرانه از دولتهای اروپایی خواست و آنها را مورد بازخواست قرار داد تا بجای اینکه به مقابله با پناهجویان برخیزند، دست از حمایت و همکاری با دولتهای دیکتاتوری بویژه حکومتها و باندهای اسلامی بردارند. باید به مقابله با سیاست های راسیتسی دولتها و احزابی برخاست که هجوم پناهجویان به اروپا را فرصتی برای پیشبرد سیاستهای خود پیدا کرده اند. پناهجویان را باید متشکل ساخت و با حقوق انسانی خود آشنا کرد.

دفاع از حق پناهندگی وظیفه هر انسان شریف و هر نهاد آزادیخواه و طرفدار حقوق بشر و یکی از ابتدائی ترین گامها برای ساختن یک دنیای آزاد و برابر است. باید قویتر و مصمم تر در این عرصه ظاهر شد و دنیای سرمایه داری را وادار به قبول این حق کرد.